
**Components of the Interpersonal Relationship between Shiites and Sunnis from the Viewpoints of the Fourteen Infallibles (A.S)
The case study of the book "Jami' Ahadith al-Shi'a"**

Meysam Farrokhi¹
Zahra Jafari²

Abstract

The aim of the study is to answer this question "What are the components of the Interpersonal Relationship between Shiites and Sunnis from the Viewpoints of The Fourteen Infallibles based on the book Jami' Ahadith al-Shi'a?" Therefore, through using conventional qualitative content analysis and inductive approach, the existing data were first analyzed and the result was obtained by extracting the key concepts and major and minor categories. Based on the findings, in Hadiths, it has been emphasized on the relationship methods in two main categories; first, the methods of the verbal relationship between Shiites and Sunnis include four minor categories: best debates, verbal Taqiyyah (Taqiyya is a precautionary dissimulation or denial of religious belief and practice in the face of persecution), not revealing the secrets, and considering the courtesy of verbal action, they all emphasize the thoughtfulness of the Shiites words in different contexts. The second category is the Shiites non-verbal methods of relationship with Sunnis, which include seven minor categories: Shiites model making, behavioral Taqiyyah, highlighting the Shiite identity, indirect propagation, Peaceful coexistence, creating an environment to honor the Imams (a.s) and using negative attitudes.

These categories are various due to the importance of considering the context and conditions of the audience relationship and features so that it requires the relationship maker Shiites to choose the best methods of interpersonal relationship with Sunnis in any conditions. The current study has tried to deal with this aspect of the Fourteen Infallibles' words.

Keywords

Relationship, interpersonal relationship, the Fourteen Infallibles, Jami Ahadith al-Shi'a, Shiites, Sunnis.

1. Assistant professor, department of cultural studies, Refah University, Tehran. arokhi@refah.ac.ir.

2. M.A in cultural promotion and media, Soore University. jafari@soore.ac.ir.

مؤلفه‌های ارتباط میان فردی شیعیان با اهل سنت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام؛ مورد مطالعه کتاب جامع الأحادیث الشیعة

* میثم فرخی

** زهرا جعفری

چکیده

هدف پژوهش، پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های ارتباط میان فردی شیعیان با اهل سنت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام طبق کتاب جامع احادیث الشیعة چیست؟ بنابراین، با روش تحلیل محتوای کیفی عرفی و با رویکردی استقرایی، ابتدا داده‌های موجود، تحلیل شده و با استخراج مفاهیم کلیدی و مقولات اصلی و فرعی، نتیجه نهایی حاصل گشت. بر اساس یافته‌های پژوهش، در احادیث بر شیوه‌های ارتباطی در دو مقوله اصلی تاکید شده؛ نخست، شیوه‌های ارتباطات کلامی شیعیان در تعامل با اهل سنت، مشتمل بر چهار مقوله فرعی: جدال أحسن، تقیه زبانی، فاش نکردن أسرار و رعایت آداب کُنش گفتاری است که همگی بر سنجیده‌بودن کلام شیعیان در شرایط گوناگون تاکید دارند. دوم، شیوه‌های ارتباطات غیر کلامی شیعیان در تعامل با اهل سنت است که هفت مقوله فرعی: أسوه‌سازی شیعیان، تقیه رفتاری، برجسته‌سازی هویت شیعی، تبلیغ غیرمستقیم، همزیستی مسالمت‌آمیز، ایجاد فضای تکریم ائمه علیهم‌السلام و به کارگیری برخوردهای سلبی را در بردارد. علت تنوع این مقولات، اهمیت توجه به زمینه و شرایط ارتباط و ویژگی‌های مخاطب است که شیعیان ارتباط‌گر را ملزم به انتخاب بهترین شیوه ارتباط میان فردی با اهل سنت در هر موقعیتی می‌سازد. در پژوهش حاضر سعی شده به این بُعد از سخنان معصومین علیهم‌السلام پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها

ارتباط، ارتباط میان فردی، معصومین علیهم‌السلام، جامع احادیث الشیعة، شیعیان، اهل سنت.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

farokhi@refah.ac.ir

jafari@soore.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۵

* استادیار گروه مطالعات فرهنگی دانشکده رفاه تهران (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه سوره

۱. بیان مسئله

جوامع انسانی به‌عنوان یک نظام، مانند هر سیستمی برای بقا به تعامل میان اعضا محتاج هستند. این تعاملات، پشتوانه زندگی فرهنگی و اجتماعی انسان‌هاست و منجر به ساخت هویت معنادار آن‌ها می‌شود (هوور، ۱۳۸۸: ص ۱۱۱). ارتباط بین فردی در دو شکل کلامی و غیر کلامی، از موثرترین انواع ارتباطات انسانی است. زمانی که طرفین ارتباط، ویژگی‌های متعارضی داشته باشند، سطح توانایی ارتباطی و ایجاد معنای مشترک کاهش یافته و نیاز به راه کارهایی جهت تداوم تعامل، احساس می‌شود (محسنیان‌راد، ۱۳۹۰: ص ۳۳۶).

ارتباط افراد منتسب به دو مذهب مختلف نیز اگر صحیح برقرار نشود، بستر تفرقه در جامعه شکل می‌گیرد. از مصادیق بارز در این زمینه، ارتباط میان فردی شیعیان و اهل سنت است که هر رفتار نا به جایی در این حوزه علاوه بر به خطر انداختن وحدت مسلمین، می‌تواند موجبات ناامنی در کشورهای اسلامی را نیز فراهم آورد و آثار مخربی بر فرهنگ این جوامع بر جای گذارد (باهنر، ۱۳۸۳: ص ۷۲). همچنین، چون شیعیان نسبت به اهل سنت اقلیت جامعه اسلامی را تشکیل داده‌اند، اصلاح این ارتباط با هدف مصون نگاه داشتن شیعیان از آسیب‌های ناشی از اختلافات، امری ضروری است. بخشی از احادیث ائمه علیهم‌السلام در باب نحوه برقراری ارتباط میان فردی با مسلمانان اهل تسنن بوده و حتی در برخی کتب روایی مانند: وسائل الشیعه یک باب مستقل به این مسئله اختصاص یافته است. از آن‌جا که برجسته‌ترین الگوی شیعیان معصومین علیهم‌السلام هستند، بررسی توصیه‌های ایشان در موضوع حاضر در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی جوامع شیعی راهگشا خواهد بود.

هدف پژوهش پیش‌رو پاسخ‌گویی به این سوال اصلی است که مولفه‌های ارتباط بین فردی شیعیان با اهل سنت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام با تاکید بر کتاب جامع احادیث الشیعه چیست؟ با توجه به این که ارتباط بین فردی در دو حوزه گفتاری و رفتاری قابل بررسی است، در ادامه دو سوال فرعی نیز در این تحقیق پاسخ داده می‌شود: نخست آن‌که، شیوه‌های ارتباطات کلامی شیعیان با اهل سنت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام چیست؟ و دوم این‌که، شیوه‌های ارتباطات غیر کلامی شیعیان با اهل سنت از دیدگاه ایشان چیست؟ بدین منظور کتاب جامع احادیث الشیعه - یکی از معتبرترین کتب روایی - انتخاب گردیده تا مبتنی بر احادیث موجود در آن، توصیه‌های امامان علیهم‌السلام به شیعیان درباره نحوه ارتباط با

اهل سنت بررسی و تحلیل شود. از آن‌جا که تشخیص ملاک‌های لازم در شناخت مصادیق احادیث بر عهده علمای دین است، این تحقیق در پی صدور حکمی کلی و شرعی نبوده و تنها بر اساس روایات، توصیه‌های وارده در زمینه مذکور را بازخوانی کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه ارتباطات در حوزه دینی صورت گرفته‌اند، اما بر اساس جستجوی نگارنده، تاکنون تحقیقی با تمرکز بر روایات در حوزه دانش ارتباطات با نگاه به ارتباط بین‌فردی شیعیان و اهل سنت صورت نگرفته است و این پژوهش تلاشی نوآورانه در این زمینه می‌باشد. از میان تحقیقات موجود برخی برای تبیین ارتباط به تحلیل آیات قرآنی روی آورده‌اند و برخی تنها سیره یکی از معصومین علیهم‌السلام را در نظر گرفته‌اند. در ادامه برخی از پژوهش‌های مشابه ذکر می‌گردد:

الف). خان‌محمدی (۱۳۸۸) در مقاله «تحلیلی بر سیره ارتباطات میان‌فردی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، به بررسی ارتباط میان‌فردی آن حضرت با سایر انسان‌ها بر مبنای نظریات گافمن و هابرماس پرداخته است. محقق در این پژوهش سیره ارتباطی ایشان را در دو مرحله: پیش از ارتباط (پشت‌صحنه) و در حین ارتباط (صحنه) ذیل دو عنوان «تمهیدات ساختاری» و «میدان کنش ارتباطی» بررسی کرده است.

ب). گلاب‌بخش (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی عناصر پایداری ارتباط میان‌فردی در قرآن و روایات» به شیوه توصیفی و تبیینی به استخراج هفده عامل موثر در پایداری ارتباطات انسانی بر مبنای روایات معصومین علیهم‌السلام پرداخته است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: گزینش دوست، ادای حقوق متقابل، کنترل کلام، رعایت انصاف، سودمند و مفیدبودن، حفظ و رعایت حریم، محبت قلبی، اعلام محبت، حُسن خُلق، گذشت از لغزش‌ها، پوشاندن عیب‌ها، عذر تراشی و حُسن ظن.

ج). کرمی، شریعتی و اسماعیلی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اصول روابط بین‌فردی بر اساس آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات و مدل‌یابی محتوایی از این آموزه‌ها» به شیوه توصیفی و از طریق گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای به اصول ارتباط

بین فردی، آداب روابط بین فردی و موانع ارتباطی بر مبنای سوره حجرات دست یافته و در نهایت، مدلی محتوایی در زمینه روابط بین فردی ارائه نموده‌اند که ارتباط بین فردی اشخاص در جامعه را تبیین می‌کند.

د. جان‌فزا و خیاط (۱۳۹۳) در مقاله «عوامل رفتاری برقراری ارتباط موثر در گفتار و رفتار امام رضا (علیه السلام)» به شیوه کتابخانه‌ای، بر اساس احادیث امام هشتم (علیه السلام)، عوامل رفتاری موجود در ارتباط اثربخش را در یازده عنوان تبیین کرده‌اند. استفاده از نشانه‌های غیر کلامی مانند تبسم یا گریه، مجاورت فیزیکی، ارتباط چهره‌به‌چهره، زمینه‌سازی برای پیام اصلی و همچنین استفاده از سطح‌بندی ارتباط از جمله این عناوین‌اند.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

۳-۱. ارتباط^۱

از جهت لغوی ارتباط، در فرهنگ فارسی، معادل واژه‌هایی همچون: ربط‌دادن و پیوستگی قرار گرفته است (معین، ۱۳۸۲: ص ۷۸)، اما از منظر اصطلاحی: «ارتباط عبارت است از: فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آن که در گیرنده پیام، مشابهت معنی با معنی موردنظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان‌راد، ۱۳۹۰: ص ۵۷). بر این اساس، مولفه‌های ارتباطات دوسویه عبارت‌اند از: منبع معنی، پیام، وسایل ارتباطی، کانال، بازخورد، هدف و پارازیت (همو، ۱۳۶۰: ص ۹۵-۱۲۰)، که شرایط هر یک از آن‌ها کیفیت فراگرد ارتباط را مشخص می‌کند.

۳-۱-۱. ارتباط بین فردی

ارتباط را می‌توان به چهار نوع: درون فردی^۲، بین فردی^۳، برون فردی^۴ و جمعی^۵ تقسیم

1. communication
2. intrapersonal communication
3. interpersonal communication
4. extrapersonal communication
5. mass communication

کرد (لیتل جان، ۱۳۹۴: ص ۲۸۶). «ارتباطات میان‌فردی که عمدتاً به صورت چهره‌به‌چهره از طریق کلامی^۱ و غیرکلامی^۲ انجام می‌شود، در برابر ارتباط جمعی قرار می‌گیرد که در آن، پیام به مخاطبان زیادی ارسال می‌شود که معمولاً برای پیام‌فرست شناخته شده نیستند» (فرهنگی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۶). نحوه صحبت مردم با یکدیگر، علت انتخاب پیام‌ها توسط آنان و تاثیر پیام‌ها بر روابط و افراد در ارتباط میان‌فردی مورد بررسی است (لیتل جان، ۱۳۹۴: ص ۴۵). ارتباط بین‌فردی از رفتارهای کلامی و غیرکلامی تشکیل شده که نحوه ترکیب آن‌ها بر نفوذ پیام موثر است.

۱-۱-۳. ارتباط کلامی

از ابتدایی‌ترین اشکال ارتباط میان‌فردی، ارتباط کلامی است که طی آن پیام‌ها با صدا و گفتار منتقل می‌شوند. ارتباط کلامی یا صوتی با عامل زبان گره خورده است و به همین سبب، آن را ارتباط زبانی نیز نامیده‌اند. پرداختن به زبان در این مبحث ضروری است؛ چرا که «واقعی‌ترین نمونه و مثال از ارتباط کلامی، زبان نوشتاری و گفتاری است» در واقع، از مهمترین مهارت‌های ارتباطی، گفتن است که می‌تواند منجر به شکل‌گیری معانی مشابه در فرستنده (گوینده) و گیرنده پیام (شنونده) شود (محسنیان‌راد، ۱۳۹۰: ص ۲۴۸).

۱-۱-۲. ارتباط غیرکلامی

ارتباط غیرکلامی، رفتار افراد مانند: حالات چهره و ژست‌ها می‌باشد و تمام علامات تنانه‌ای را در برمی‌گیرد که خواسته یا ناخواسته در مقابل دیگران به کار می‌بریم. این ارتباط در اشکال مختلفی مانند: زبان بدن، زبان فاصله، زبان لامسه، زبان اشیاء، زبان زمان، زبان نشانه‌ها و رمزها و همچنین زبان آوایی بروز پیدا می‌کند (باستانی، ۱۳۸۶: ص ۷۲-۱۱۶). افراد - به خصوص - در شرایطی که ارتباط کلامی با

1. Verbal

2. Non verbal

دشواری‌هایی روبه‌رو باشد، از پیام‌های غیر کلامی بهره می‌گیرند و از این‌رو قابلیت برقراری ارتباط از طریق ارسال و دریافت پیام‌های غیرزبانی، لازمه تعامل اجتماعی موفق است.

۴. روش پژوهش

۴-۱. تحلیل محتوای کیفی عرفی

در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی عرفی با رویکرد استقرایی استفاده شده است که در آن مقوله پیش‌پنداشته‌ای وجود ندارد و مقوله‌ها از داده‌های موجود استخراج می‌شوند (Hsieh and Shannon, 2005: p.1279-1284). مرحله اول در تحلیل محتوای کیفی عرفی، آمادگی برای تحلیل است که سه گام: مشخص کردن مسئله پژوهش، تدوین سوالات و اهداف پژوهش و مشخص کردن متغیرها را در بر دارد. مرحله دوم یا سازماندهی داده‌ها شامل: نمونه‌گیری، انتخاب واحدهای تحلیل، گذراری و مقوله‌بندی می‌باشد. در مرحله آخر نیز محقق با تحلیل و استنباط نتایج به ارائه گزارش می‌پردازد (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۹۹). نمونه مورد بررسی این پژوهش، کتاب ۲۵ جلدی جامع احادیث الشیعه است که زیر نظر آیت‌الله سیدحسین بروجردی طباطبایی و توسط گروهی از محققان تالیف گردیده است. اعتبار، جامعیت، باب‌بندی موضوعی دقیق، امکان جستجوی روایات در حوزه‌ای خاص و ارائه توضیحات ذیل برخی از روایات، از جمله ویژگی‌هایی است که دلیل محور قرار دادن این کتاب در پژوهش حاضر بوده است. احادیث یافت‌شده از کتاب مذکور در باب نحوه برقراری ارتباط بین فردی با اهل سنت واحدهای تحلیل تحقیق حاضر هستند.

۴-۲. شیوه بررسی مضمون احادیث

در بررسی روایات، سه مرحله: فهم معنا، کشف مراد و استخراج حکم وجود دارد (مسعودی، ۱۳۸۹: صص ۱۹ و ۶۹). این تحقیق به دنبال گزارش‌گری از توصیه‌های معصومین علیهم‌السلام در باب نحوه مواجهه با اهل سنت، تنها به مرحله نخست پرداخته و به دو

مرحله دیگر - که نیازمند بررسی‌های اجتهادی فقهاست - وارد نشده است. لذا در گام اول، از طریق مراجعه به ترجمه‌های معتبر احادیث و انتخاب مواردی که مترجم، مراد روایت را اهل تسنن دانسته است^۱؛ در گام دوم، استفاده از کلیدواژه‌هایی مثل «عامه» و «ناس» که در موارد زیادی اشاره به اهل سنت داشته‌اند؛ در مرحله سوم، مقایسه احادیث مشابه و در نظر گرفتن خانواده احادیث و در گام چهارم، توجه به عناوین ابوابی از کتاب جامع احادیث الشیعه که شامل روایات مربوطه هستند^۲ فهم معنا و اطمینان از این که آیا روایات منتخب به‌طور خاص به ارتباط شیعیان و اهل سنت اشاره دارند یا خیر حاصل گردید.

۵. یافته‌های پژوهش

برای استخراج هدف‌مند داده‌ها، روایات با مراجعه به نسخه الکترونیکی کتاب جامع احادیث الشیعه در نرم‌افزار مکتبه اهل بیت علیهم‌السلام، به صورت درون متنی جستجو، گردآوری و در مجموع در قالب ۱۶۴ کد حدیث تنظیم گردید. از آنجا که تمامی مجلدات کتاب جامع احادیث الشیعه ترجمه نشده‌اند، متن فارسی احادیث از طریق نرم‌افزار گنجینه روایات نور از سایر کتب حدیثی به دست آمده و به آن‌ها ارجاع داده شد. نمونه‌ای از نحوه کدگذاری داده‌ها و استخراج مفاهیم در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است^۳. در مرحله بعد، از طریق بررسی مفاهیم مستخرج، ابتدا مقولات فرعی و سپس از میان آن‌ها، مفاهیم اصلی به دست آمد که در جدول شماره (۲) آورده شده است.

۱. به‌عنوان نمونه: محمدباقر بهبودی در گزیده کافی، واژه «مخالقین» را در اغلب روایات به اهل سنت ترجمه نموده است (به‌عنوان مثال، ر.ک: کلینی، ق ۱۳۶۳، ج ۲: ص ۲۸۶). همچنین علی اکبر غفاری در ترجمه کتاب من لایحضره الفقیه، در برخی روایات ضمائر «هم» و «هؤلاء» را به اهل سنت ترجمه کرده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۷ق، ج ۲: ص ۷۷).

۲. به‌عنوان نمونه: باب وجوب عشرة الناس حتی العامة، بأداء الأمانة، وإقامة الشهادة، والصدق، واستحباب عیادة المرضى، وشهود الجنائز، وحسن الجوار، والصلاة فی المساجد.

۳. به دلیل حجم بالای احادیث، صرفاً مواردی بدون ترجمه برای نمونه آورده شده است.

جدول (۱): کدگذاری و استخراج مفاهیم احادیث

ردیف	حدیث	مفاهیم	منبع در جامع احادیث الشیعه
۱	<p>قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَدْ رَوَى لَنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيَمَارِي بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَبَاهِي بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيَقْبَلَ بِوَجْهِهِ النَّاسَ إِلَيْهِ فَهُوَ فِي النَّارِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقَ جَدِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَ فَتَدْرِي مَنْ السُّفَهَاءُ ... هُمْ قُضَّاصُ مَحَالِفِينَا...</p>	<p>بازگویی علوم ائمه علیهم السلام برای اهل سنت جهت زمینه‌سازی برای پیروی از ائمه</p>	<p>ج ۱، ص ۲۳۸، باب حجیه اخبار الثقات، ح ۶۰</p>
۲	<p>عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَ لَا تَبْنُوا سِرَّنَا وَ لَا تُذَيِّعُوا أَمْرَنَا...</p>	<p>فاش نکردن اسرار تشیع برای اهل سنت پنهان کردن اعتقاد به امامت در زمان تقیه</p>	<p>ج ۱، ص ۲۵۸، باب ما يعالج به تعارض الروایات، ح ۱۴</p>
۳	<p>سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ</p>	<p>برگرداندن امانات اهل سنت راست گویی با اهل سنت</p>	<p>ج ۵، ص ۲۳۴، باب فضل السجود و آداب، ح ۳۸</p>

ردیف	حدیث	مفاهیم	منبع در جامع احادیث الشیعه
	الإجتهادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ كَوْنُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا...	حُسنِ همنشینی با اهل سنت خوش رفتاری با همسایه سنی دعوت غیر کلامی به تشیع زینت بودن شیعیان برای ائمه <small>علیهم‌السلام</small> در تعامل با اهل سنت	
۴	عن الرضا <small>علیه‌السلام</small> : ... ولا تقتدی الا باهل الولاية	عدم اقتدا به امام جماعت سنی	ج ۶، ص ۳۸۵، باب فضل الجماعة وتأكد استحبابها في الفرائض، ح ۱۳
۵	قال الصادق <small>علیه‌السلام</small> إذا صليت معهم غفر لك بعدد من خالفك	آمزش گناهان در صورت اقامه نماز جماعت به تقيه با اهل سنت	ج ۶، ص ۴۱۴، باب عدم جواز الصلوة خلف المخالف في الاعتقادات الصحيحة الا للتقيه فانه يستحب لها حضور جماعتهم والقيام معهم في الصف الاول، ح ۱۹
۶	... عن سماعة قال: سئلته عن مناكحتهم، والصلوة خلفهم، فقال هذا امر شديد لن تستطيعوا ذلك قد انكح رسول الله ص، و صلى على <small>علیه‌السلام</small> ورائهم.	دشواری نماز خواندن پشت سر اهل سنت دشواری ازدواج با اهل سنت توجه به سیره پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> و امیرالمومنین <small>علیه‌السلام</small> در تعامل با اهل سنت	ج ۶، ص ۴۱۵، باب عدم جواز الصلوة خلف المخالف في الاعتقادات الصحيحة الا للتقيه فانه يستحب لها حضور جماعتهم والقيام معهم في الصف الاول، ح ۲۲

ردیف	حدیث	مفاهیم	منبع در جامع احادیث الشیعه
۷	<p>خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنِ اشْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَ الْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَكَتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَشْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ.</p>	نماز خواندن در مساجد اهل سنت	<p>ج ۶، ص ۴۲۲، باب استحباب الاذان للامة، ح ۱</p>
		معاشرت با اهل سنت به شیوه خودشان	
		عیادت بیماران اهل سنت	
		تشییع جنازه‌های اهل سنت	
		موذن و امام جماعت شدن برای اهل سنت	
		ایجاد فضای تکریم ائمه <small>عليهم السلام</small>	
		ایجاد زمینه تحسین تشیع	
زینت بودن شیعیان برای ائمه <small>عليهم السلام</small>			
۸	<p>عن حمران قال: قلت [لابی جعفر ع] جعلت فداك قد كنت أخاصم الناس فلا أزال قد استجابلي الواحد بعد الواحد ثم تركت ذاك قال فقال يا حمران خل بين الناس وخالقهم فان الله إذا أراد بعبد خيرا نكت في قلبه نكتة فحال قلبه فيصير إلى هذا الامر أسرع من الطير إلى وكرة .</p>	عدم اصرار در دعوت اهل سنت به تشیع	<p>ج ۱۴، ص ۴۶۷، باب ما ورد في دعاء الناس الى الاسلام، ح ۱۶</p>
		مدارا با اهل سنت و گفتگو به شکل مفید با امید هدایت	
		مجادله نکردن با اهل سنت وقتی در نهایت فایده ندارد	

منبع در جامع احادیث الشیعه	مفاهیم	حدیث	ردیف
ج ۱۴، ص ۵۲۴، باب وجوب التقیة مع الخوف فی کل ضرورة بقدرها، ح ۱۷	فضیلت تقیه در تعامل با اهل سنت	قَالَ بَعْضُ الْمُخَالِفِينَ بِحَضْرَةِ الصَّادِقِ <small>عليه السلام</small> - لِرَجُلٍ مِنْ الشَّيْخَةِ - مَا تَقُولُ فِي الْعَسْرَةِ مِنَ الصَّحَابَةِ - قَالَ أَقُولُ فِيهِمْ الْخَيْرَ الْجَمِيلَ - الَّذِي يَحْبِطُ اللَّهُ بِهِ سَيِّئَاتِي وَيَرْفَعُ بِهِ دَرَجَاتِي - قَالَ السَّائِلُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَنْقَذَنِي مِنْ بَعْضِكَ - كُنْتُ أَظُنُّكَ رَافِضِيًّا تُبْغِضُ الصَّحَابَةَ... ثُمَّ أَنْصَرَفَ السَّائِلُ - فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ ع جَوَّدْتَ لِلَّهِ دُرُّكَ - لَقَدْ عَجِبْتَ الْمَلَائِكَةَ فِي السَّمَاوَاتِ مِنْ حُسْنِ تَوَرِّيتِكَ - وَتَأْطِفِكَ بِمَا خَلَصَكَ اللَّهُ وَ لَمْ يَسْئَلْ دِينُكَ - وَ زَادَ اللَّهُ فِي مُخَالِفِينَا عَمَّا إِلَى عَمٍّ - وَ حَجَبَ عَنْهُمْ مُرَادَ مُنْتَجَلِي مَوَدَّتِنَا فِي تَقِيَّتِهِمْ.	۹
	حفظ تولى و دورنشدن از واقعیت با تقیه در ارتباط با اهل سنت		
	استفاده توریه برای پرهیز از برانگیختن احساسات اهل سنت		

جدول (۲): مقوله‌های اصلی و فرعی مستخرج از احادیث

ردیف	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۱	شیوه‌های ارتباطات کلامی شیعیان در تعامل با اهل سنت	جدال أحسن
		تقیه زبانی
		فاش نکردن اسرار
		رعایت آداب کنش گفتاری
۲	شیوه‌های ارتباطات غیر کلامی شیعیان در تعامل با اهل سنت	اسوه‌سازی شیعیان
		تقیه رفتاری
		برجسته‌سازی هویت شیعی
		تبلیغ غیر مستقیم
		همزیستی مسالمت آمیز
		ایجاد فضای تکریم ائمه <small>علیهم‌السلام</small>
		به کارگیری برخوردهای سلبی

۵-۱. شیوه‌های ارتباطات کلامی شیعیان در تعامل با اهل سنت

در موارد متعددی از احادیث بررسی شده، به ارتباط میان فردی کلامی یا زبانی اشاره شده و چهار شیوه برای برقراری این نوع ارتباط با اهل سنت مطرح گردیده است:

۱-۱-۵. جدال أحسن

واژه مجادله، معمولاً در امر اظهار و تثبیت مذهب به کار برده می‌شود و از فنون سخن گفتن است که طی آن فرد با استفاده از امور مشهور سعی در اقناع مخاطب دارد (روحی برندق، ۱۳۹۷: ص ۵۷). امامان علیهم‌السلام، به بیان روش‌های مختلف جدل با غیر شیعیان

پرداخته‌اند و تاکید داشته‌اند که در بحث‌های دینی با اهل سنت متناسب با فهم ایشان از امور مذهبی و بر مبنای اعتقادات و منابع خود آنان سخن گفته شود. در این زمینه به بازگویی علوم و محاسن کلام ائمه علیهم‌السلام و پرهیز از کم و زیاد کردن سخنان ایشان نیز توصیه شده است. همچنین در مجادلات باید بر اعتقاد به امامت به عنوان مهم‌ترین عامل تمایز میان شیعیان و اهل سنت پافشاری شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کاش هنگام دعوت مردم، در عوض مشاجره می‌گفتید: ما به آن‌جا رفته‌ایم که خدا رفته است. کسی را برگزیده‌ایم که خدا برگزیده است. خداوند از میان همه مردم محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برگزید و ما از میان همگان آل محمد علیهم‌السلام را برگزیدیم» (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۱: ص ۲۱۱). با بررسی روایات روشن می‌شود که شیعیان علاوه بر این که وظیفه دارند جدال احسن را مبنای شیوه ارتباطی در برابر اهل تسنن به کار گیرند، از جدال بی‌فایده بر سر مذهب که اقناعی در پی ندارد نیز منع شده‌اند.

۲-۱-۵. تقیّه زبانی

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «تقیّه، دین من و دین پدران من است و ایمان ندارد کسی که تقیّه ندارد (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ص ۲۷۹). تقیّه، از مبانی فکری شیعیان است که علاوه بر روایات، در قرآن کریم^۱ نیز به آن اشاره گردیده است. لفظ تقیّه هم‌ریشه تقوی بوده و معنای آن، خویشتن‌داری است، لذا به عمل کسی گویند که کار او همراه با نوعی مراقبت باشد. از جهت اصطلاحی، تقیّه را پنهان کردن اعتقاد باطنی در برابر مخالفان، یا موافقت با ایشان در امور غیرحق برای دوری از زیان‌های دینی و دنیوی دانسته‌اند. بسیاری از علما، مانند مرحوم خوئی، مفهوم اصطلاحی تقیّه را، تقیّه از اهل سنت می‌دانند که به شکل رفتاری و گفتاری صورت می‌پذیرد. تقیّه کلامی در روایات شامل پنهان نمودن محبت اهل بیت علیهم‌السلام، اعتقاد به امامت، اسم‌نبردن از امام دوازدهم، بیان فضایل دروغین برای دشمنان ائمه علیهم‌السلام، سوگند توریه‌ای و یا حتی دروغ می‌باشد. به علاوه، در بسیاری از روایات حد رعایت تقیّه تا ریخته‌شدن خون مومنی دیگر و حد زمانی آن نیز تا زمان ظهور امام عصر (عج) مشخص

۱. ر.ک: آل عمران: ۲۸.

گردیده است. تقیه حتی در مواجهه با اهل سنت غیرمعاند نیز موضوعیت یافته و هدف از آن، حیات مذهب، حفظ جان شیعیان و مصونیت اموال و دارایی‌های آنان معرفی شده است. بنابراین، تقیه کلامی، ابزار ارتباطی مهمی است که در عین ایجاد یک‌دستی در جامعهٔ مسلمین، به مصون ماندن شیعیان از خطرات احتمالی نیز منجر می‌شود.

۳-۱-۵. فاش نکردن اسرار

امام صادق علیه السلام فرمود: «امر (امامت) ما را فاش مکنید و آن را جز به اهلش نگوئید؛ چراکه افشاکنندهٔ امر ما از دشمن ما برای مان خطرناک‌تر است. [به خانه‌های خود] بازگردید که خدا شما را رحمت کند و سر ما را فاش نسازد» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۵۷، ج ۱۴: ص ۵۴۸). در روایات، به اندازه‌ای بر فاش نکردن اسرار تاکید شده که در کتاب اصول کافی یک باب تحت عنوان فاش کردن اسرار مذهب^۱ وجود دارد. روایات این حوزه با واژگانی همچون: کتمان، اذاعه و سر همراه هستند. این اسرار علاوه بر کلام، ویژگی‌ها، حقوق و علوم امامان شیعه علیهم السلام که درک آن برای اهل سنت بر مبنای اعتقادات ایشان دشوار است، شامل مسائل عقیدتی ویژه‌ای همچون برخی مباحث مهدویت نیز می‌باشد. ائمه علیهم السلام از پیروان خود خواسته‌اند؛ اگر شیعیانی را می‌یابند که امر ایشان را نزد اهل سنت افشا می‌کنند، آنان را از این کار بازدارند و افشاکنندگان اسرار مذهب را مذموم شمرده‌اند، مثلاً در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «فاش کنی راز، در شک است و آن که [اسرار مذهب را] به ناهلش گوید، کافر است...» (مجلسی، ۱۳۶۴ق، ج ۲: ص ۶۰).^۲

۴-۱-۵. رعایت آداب کُنش گفتاری

آداب کلامی سفارش شده در برابر اهل سنت بیش از هر چیز، سه نکته را در بر می‌گیرد:

۱. باب الاذاعه.

۲. تفاوت این مولفه با مبحث تقیه کلامی در آن است که در تقیه شیعیان از سخنانی که برای اهل تسنن ناخوشایند است و خطراتی برای شیعیان در پی دارد، منع گشته‌اند، مثل توهین به مقدسات. در مقابل، فاش نکردن اسرار مربوط به موضوعاتی است که اهل سنت آن‌ها را لزوماً ناپسند نمی‌دانند، ولی بیان آن مسائل ممکن است مشکل‌ساز شده یا در باور آنان نگنجد، مثل بیان مقامات امامان علیهم السلام.

اول، توصیه به راست‌گویی در برابر اهل سنت است که شامل پای‌بندی به قَسَم‌ها نیز می‌شود. دوم، تاکید بر خوش‌زبانی که توأم با اشاره به عبارت قرآنی: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳)؛ و با مردم (به زبان) خوش سخن بگویید» می‌باشد و بر این اساس، به‌عنوان نمونه، شیعیان موظف‌اند در برخورد با اهل سنت، آشکارا سلام کرده و آغازگر ارتباط باشند. سوم نیز، منع از دشنام و تحقیر کلامی نسبت به اهل سنت یا مقدسات ایشان است؛ چراکه این موضوع زمینه‌ساز اهانت به ائمه شیعه علیهم‌السلام می‌گردد.

در جلد پانزدهم کتاب جامع احادیث الشیعه که بابی با عنوان «نگه‌داشتن زبان از توهین به مخالفین^۱» وجود دارد، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: «مبادا دشمنان خدا را دشنام دهید؛ آن‌جا که بشنوند از شما، تا آن‌ها هم به تلافی و از روی دشمنی و ندانسته خدا را دشنام دهند. سزاوار است شما بدانید که اندازه دشنام آنان به خدا چگونه است؛ راستی که هر که به اولیاء خدا دشنام دهد و بد گوید، خدا را دشنام داده باشد، چه کسی پیش خدا ستمکارتر است از کسی که وسیله سب و دشنام به خدا و اولیاء خدا را فراهم کند. آرام، آرام، از خدا پیروی کنید و لاجول و لاقوة الا بالله» (کلینی، ۳۴۱ق، ج: ۱، ص: ۱۰). بنابراین طبق روایات متعدد، رعایت آداب گُنش‌گفتاری به‌عنوان مهارتی اکتسابی در حوزه ارتباطات کلامی راه‌کاری ابتدایی برای جذب اهل سنت به‌شمار می‌آید.

۲-۵. شیوه‌های ارتباطات غیر کلامی شیعیان در تعامل با اهل سنت

ارتباط غیر کلامی قابلیت نفوذ و متقاعدسازی بالایی دارد. سفارش‌های امامان علیهم‌السلام به شیعیان در حوزه ارتباطات بین فردی غیر کلامی با اهل تسنن، متنوع‌تر از حوزه کلامی بوده و شامل هفت عنوان فرعی زیر است:

۱-۲-۵. اسوه‌سازی شیعیان

از مهم‌ترین روش‌های ارتباطات بین فردی که قرآن کریم نیز در مسیر تبلیغ از آن بهره‌مند است، اسوه‌سازی و معرفی الگوست که اگر به شیوه غیر کلامی انجام گیرد، واقعیت‌نزد

۱. باب ما ورد فی کف اللسان عن المخالفین.

مخاطب عینیت می‌یابد و تاثیر روانی بالاتر و اقناع موفق‌تری به‌جای می‌گذارد (صادقی نیری و حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ص ۱۷۲-۱۷۳). انسان‌ها ناخودآگاه رفتار هر گروهی را به ارزش‌های آن گروه نسبت می‌دهند؛ لذا رفتارهای نادرست شیعیان نیز می‌تواند بدبینی دیگران نسبت به مذهب شیعه را به بار آورد. بنابر نظر امامان علیهم‌السلام، شیعیان باید الگوی جامعه باشند تا در معرض انزوا و ذلت یا اتهام اهل سنت قرار نگیرند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «پدرم می‌گفت که پیش از این، اگر در میان یک قبیله، یک نفر از شیعیان علی بود، همان یک نفر، افتخار قبیله محسوب می‌شد و در امانت‌داری، حق‌شناسی، راست‌گویی یک فرد نمونه بود. همه او را وصی خود می‌کردند و امانات خود را به او می‌سپردند و از هر کس سوال می‌کردی که فلانی چگونه آدمی است؟ می‌گفت: که او مثل و مانند ندارد، در امانت‌داری و راست‌گویی بر همه ما مقدم است» (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۱: ص ۳۴۹-۳۵۰).

۲-۲-۵. تقیّه رفتاری

آن‌گونه که اشاره شد؛ تقیّه، رفتاری است برای مصون ماندن از آسیب‌های احتمالی که ظاهر و باطن آن با هم متفاوت است. از موارد تقیّه غیر کلامی، عبادات تقیّه‌ای مانند: نماز خواندن در کنار اهل سنت هستند که در احادیث بسیاری به راه کارهای آن اشاره شده است. یک‌دستی نیز از حربه‌های تقیّه‌ای است و دو حالت دارد: در حالت اول، شیعیان موظف‌اند هنگام وجوب تقیّه، با اهل سنت یک‌دست باشند تا با پرهیز از تفرقه به یکپارچگی جامعه اسلامی و حفظ دین کمک کنند. در حالت دوم، ائمه علیهم‌السلام گاهی شرایطی را فراهم می‌آوردند که یک‌دستی ظاهری میان شیعیان از بین برود تا شناخته نشوند و انگشت‌نما نگردند. به‌عنوان مثال، «شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: گاهی وارد مسجد می‌شوم و می‌بینم برخی از اصحاب ما به نماز عصر مشغول‌اند و عده‌ای به نماز ظهر. پاسخ فرمود: من به ایشان چنین دستور داده‌ام، اگر همه در یک وقت واحد، نماز می‌خواندند، شناسایی شده و دستگیر می‌شدند» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۵۷، ج ۴: ص ۱۹۹). همچنین طبق احادیث، شیعیان در حکومتی که والیان آن سنی‌مذهب هستند، بهتر است از روی تقیّه به حاکمان و ماموران احترام کنند و بر آن‌ها نشورند. امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «من درباره سه موضوع تقیّه نمی‌کنم: آشامیدن مسکرات، مسح کردن بر روی کفش و حج

تمتع» (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۲: ص ۳۶) بنابراین، در تقیّه رفتاری در برابر اهل سنت نیز حد و مرزهایی مشخص شده است.

۳-۲-۵. برجسته‌سازی هویت شیعی

از مظاهر تکثر در جامعه اسلامی، وجود مذاهب مختلفی است که پیروان هر یک با ویژگی‌هایی از دیگران متمایز می‌شوند. شیعیان باید ضمن برقراری ارتباط میان‌فردی با اهل تسنن، ویژگی‌های ممتاز هویتی خود را حفظ نمایند. از این رو باید در ارتباط با اهل سنت، مخالفت اعتقادی خود با ایشان را همواره مدنظر داشته و جز در موارد تقیّه‌ای، تلاش کنند اعمالی که در آنها با اهل سنت اختلاف دارند را به شیوه مذهب خود انجام دهند. در روایتی آمده است: «با مردم [اهل سنت] با اخلاق خودشان تعامل کنید ولی در اعمالتان با آنان مخالف باشید که هر انسانی با عمل خود است و روز قیامت با کسی است که دوستش می‌دارد و مردم را بر خود و بر ما چیره مسازید و در میان آنها باشید» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۵۷، ج ۱۴: ص ۵۳۸). شیعیان باید جدایی قلبی خود از اهل سنت و پیوند درونی با ائمه علیهم‌السلام را حفظ نمایند؛ به حق بودن مذهب خود توجه کنند و بدانند که حتی در امور عبادی جمعی نیز اولویت با مجامع شیعی است. امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «به خداوند سوگند! شما بر دین حق هستید و فرشتگان هم این دین را دارند، اینک با تقوی و پرهیزگاری و عبادت ما را یاری کنید. به خداوند سوگند! فقط اعمال شما مورد قبول خداوند است، اینک از خداوند بترسید و زبان خود را نگهدارید و در مساجد خودتان نماز بگزارید...» (همان، ج ۱۵: ص ۵۰۸). بنابراین، شیعیان موظف‌اند برای رفع گرفتاری‌های شخصی نیز، جز در موارد اضطرار به اهل سنت مراجعه نکنند و ابتدا به برادران مذهبی خود رجوع کنند.

۴-۲-۵. تبلیغ غیر مستقیم

تبلیغ را تلاش برای برقراری ارتباط بین فردی متقاعد گرانه می‌دانند که طی آن منبع پیام یا مُبَلِّغ، سعی دارد با تغییر نگرش مخاطب، وی را نسبت به موضعی متقاعد سازد (حکیم‌آرا، ۱۳۹۳: ص ۲۲). بنابراین، یکی از شیوه‌های ارتباط، تبلیغ است که نوع رفتاری آن در روایات به‌عنوان یک شیوه ارتباطی برای دعوت اهل سنت معرفی شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«مردم [اهل سنت] را بدون زبان خود به طرف خدا فراخوانید، آن‌ها اگر از شما عبادت و راست‌گویی و وَرَع را مشاهده کنند، خود به طرف خدا می‌آیند» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۹۱)؛ البته شیعیان از تمسک به هر ابزاری برای تبلیغ و یا اجبار و اصرار اهل سنت در دعوت منع شده‌اند و باید به فراخواندن ایشان با رفتار صحیح اکتفا نمایند و پس از آن اجازه دهند مخاطب، خود با رغبت به این مذهب میل پیدا کند. یکی از یاران امام ششم علیه السلام چنین نقل نموده است: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ما مردم را به این امر (امامت) بخوانیم؟ حضرت فرمود: نه، ای فضیل، همانا خداوند چون برای بنده‌ای نیکی را اراده فرماید، فرشته‌ای را بگمارد (و توفیقی به او مرحمت نماید) و او را در این امر (اعتقاد به ولایت و دوستی اهل بیت علیهم السلام) داخل سازد. چه به رغبت باشد و یا در ابتدا راغب نباشد و خداوند او را به این امر راغب و مایل گرداند» (آشتیانی و دیگران، ۱۳۶۲، ج ۲: ص ۳۲۶).

۵-۲-۵. همزیستی مسالمت‌آمیز

همزیستی روزمره‌ای که غالباً فراتر از گفت‌وگو بوده و به‌نوعی تعاملات افراد جامعه را در بر می‌گیرد، از اساسی‌ترین نقاط برای برقراری ارتباط موثر است. ائمه علیهم السلام بارها از جزئی‌ترین عناصر چنین معاشرت‌هایی در قبال اهل سنت نام برده‌اند. از جمله این نمونه ارتباطات بین فردی، عیادت از بیماران اهل سنت و بازگرداندن امانات ایشان، حفظ جان اهل سنت، ازدواج با آنان و ارث‌بری از ایشان است که در زمان هدنه مباح شمرده شده است. همچنین شیعیان به حُسن همنشینی با اهل سنت، مدارا با همسایگان سنی، اطعام و کمک به آن‌ها امر شده‌اند. این مقوله در ظاهر شدن علمای شیعه به‌عنوان عالم سنی و فتوادادن برای اهل سنت یا رفت‌وآمدهای شیعیان به مساجد اهل سنت نیز نمود می‌یابد. امام صادق علیه السلام فرموده است: «... اگر توانستید که پیش‌نماز آنان باشید و اذان‌گوی ایشان شوید، پس حتماً این کار را بکنید یا کوتاهی نوزید...»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۲: ص ۴۱). شایان

۱. طبق روایات، انجام نماز تقیه‌ای مربوط به اوقاتی است که شیعیان می‌ترسند در صورت ترک آن، سرزنش شده و یا در معرض خطر واقع شوند، اما توصیه‌هایی که برای برپایی نماز با اهل سنت به‌عنوان عملی در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز در احادیث وارد شده، مربوط به شرایط تقیه نبوده و صرفاً مقصود از آن‌ها تأکیدی برای مخالطه بیشتر با اهل سنت در اجتماع است. تفاوت این دو نوع روایت، حتی بر فتاوی صادر شده در باب نماز خواندن با اهل سنت نیز موثر افتاده است.

ذکر است بنا به سفارش‌های وارده در احادیث، شیعیان باید در این همزیستی به سیره معصومین علیهم‌السلام اقتدا نموده و برای تاثیرگذاری هرچه بیشتر، با شیوه‌های خود اهل سنت با آنان معاشرت کنند. در این باره در حدیثی پیش از بیان چگونگی برخورد با اهل سنت از عبارت: «خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ» استفاده گردیده است که یعنی: «با اهل سنت با طریقه و آداب آنان معاشرت کنید» (همان).

۶-۲-۵. ایجاد فضای تکریم ائمه علیهم‌السلام

رفتار شیعیان می‌بایست حُب امامان علیهم‌السلام را در دل اهل سنت بیشتر کرده و از ایجاد بُغض آن حضرات در دل اهل سنت معاند جلوگیری کند. پیروان باید برای آن ذوات مقدسه در برابر اهل تسنن زینت بوده، مایه خجالت و ننگ آن بزرگواران نباشند و در معرض اتهام قرارشان ندهند. امام ششم علیه‌السلام می‌فرماید: «مبادا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کنند؛ همانا فرزندی بد، پدرش را به کردار او سرزنش کند. برای کسی که به او دل داده‌اید (امام خود) زینت باشید و عیب و ننگ مباشد...» (کلینی، ۱۳۶۹ق. ج ۳: ص ۳۱۱). ... هر یک از شما که در دین خود پارسا و راست گو و امین و خوش اخلاق باشد، مردم با شگفتی می‌گویند: «این مرد، مذهب جعفری دارد و این، مایه سرور و شادمانی من است و اگر برخلاف این برنامه رفتار کند، نکوهش و عار آن به من می‌رسد که با استهزا می‌گویند: افتضای مذهب جعفری بهتر از این نیست!» (همو، ۱۳۶۳ق. ج ۱: ص ۳۴۹-۳۵۰). به نظر می‌رسد، این مقوله در مرحله‌ای بالاتر از اسوه‌سازی شیعیان قرار دارد؛ چراکه به ساخت الگویی نیکو از اهل بیت علیهم‌السلام برای کل جامعه اسلامی اشاره دارد.

۷-۲-۵. به‌کارگیری برخوردهای سلبی

در کنار مقولات پیشین که همگی توصیه‌هایی ایجابی بودند، شیوه ارتباطی دیگری نیز در حوزه غیر کلامی از احادیث به دست می‌آید که مشخصه آن سلبی بودن رفتار سفارش شده است. در این گونه سخنان، به عدم اختلاط با اهل سنت تصریح شده و حتی شیعیان از موذن قراردادن اهل سنت برای نمازها یا شرکت در عبادات جمعی آنان نیز نهی

گشته‌اند.^۱ به‌طور مثال: «...گفتم: نماز جماعت با اهل سنت چه صورت دارد؟ ابو جعفر علیه السلام گفت: در نظر من، صفوف آنان به منزله دیوار است» (همان، ج ۲: ص ۲۸۶). اهمیت این مقوله از آن حیث است که نشانگر لزوم انعطاف در ارتباط با اهل سنت مطابق شرایط جامعه می‌باشد و ممکن است چنین استنباط شود که معصومین علیهم السلام سخنانی متناقض داشته‌اند، لیکن باید توجه داشت که تعارض در ظاهر روایات، امری طبیعی است که ذیل مباحثی گسترده در علم اصول بیان شده و پرداخت به آن از دایره موضوع حاضر خارج است.^۲

نتیجه‌گیری

با تحلیل روایات موجود در کتاب جامع احادیث الشیعه می‌توان مولفه‌های ارتباط بین فردی شیعیان با اهل سنت از منظر معصومین علیهم السلام را در دو شیوه کلامی و غیر کلامی جای داد. در حوزه شیوه‌های ارتباطات کلامی با اهل تسنن، گفتار شیعیان باید متناسب با موقعیت تنظیم شود. طبق روایات، مجادلات لفظی هدف‌مند چه در سطح عالمان دینی دو مذهب و چه در سطح مردم عادی، بدون مشاجره منجر به افتخار می‌شوند. کلام شیعیان باید حافظ اسرار مذهب نیز باشد؛ زیرا، بیان مباحث اعتقادی خاص مثل: نظرات شیعه درباره مقام امامت یا کرامات معصومین علیهم السلام، بدون در نظر گرفتن معرفت مخاطب، ممکن است آنان را نسبت به تشیع بدبین سازد. در احادیث، شیعیان افشاگر سرزنش شده و بی‌دین و خطرناک‌تر از دشمنان معرفی شده‌اند. شیعیان همچنین به رعایت آداب سخن گفتن مانند: صدق کلام، حُسن کلام، پای‌بندی به سوگند، سلام آشکار، پرهیز از دشنام یا توهین به مقدسات اهل سنت نیز تشویق شده‌اند.

از دیگر شیوه‌های ارتباط با اهل سنت تقیه گفتاری و رفتاری است که هدف آن، حفظ

۱. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش، احادیث مربوط به خواندن نماز با اهل سنت سه دسته‌اند: اول احادیثی که در آن‌ها شیعیان به نماز خواندن با آنان تشویق شده‌اند که شرح در آن مقوله همزیستی مسالمت‌آمیز گذشت. دوم روایاتی هستند که در آن‌ها به نماز تقیه‌ای سفارش شده‌است، یعنی شیعیان تنها در ظاهر به امام جماعت اهل سنت اقتدا کنند که در مبحث تقیه رفتاری به آن پرداخته شد. در دسته سوم روایات نیز شیعیان از هر گونه شرکتی در امور عبادی اهل سنت منع شده‌اند که به مقوله برخورد سلبی می‌انجامد.

۲. جهت اطلاعات بیشتر، ر.ک: تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث اثر الهاشمی.

جان و اموال شیعیان، پیشگیری از دشمنی میان پیروان فرق و در نهایت، حفظ بنیان‌های اسلام می‌باشد. پنهان نمودن محبت اهل بیت علیهم‌السلام از سویی و بیان فضایی برای خلفای مورد قبول اهل تسنن ولو به دروغ از سویی دیگر و یا پنهان داشتن وجوه مختلف اعتقاد به حضرت مهدی (عج) از جمله رویه‌های تقیّه کلامی است. در حوزه غیر کلامی نیز سیاست‌های تقیّه‌ای بر اساس شرایط زمانه و مخاطبین به اشکال مختلف تعیین می‌شده است. طبق احادیث هنگام وجوب تقیّه، یک‌دستی با اهل سنت موجب می‌شود شیعیان مصون بمانند و همچنین یکپارچگی جامعه اسلامی در برابر دشمنان خارجی از دست نرود. حتی در مواقع لزوم ائمه علیهم‌السلام با ایجاد تفرقه ظاهری میان خود شیعیان، آنان را از خطرات احتمالی دور می‌داشتند. بنابه توصیه‌های وارده، در زمان تقیّه در حکومت‌های منتسب به اهل سنت، ارتباطات بین‌فردی شیعیان باید در ظاهر نشانگر احترام به حاکمان باشد.

در حوزه شیوه‌های ارتباط غیر کلامی با اهل سنت، اسوه‌سازی در امور اخلاقی و عبادی نیز از سلوک رفتاری توصیه شده است. پیروان معصومین علیهم‌السلام باید الگو باشند و مردم آنان را به نیکی مثال زنند. می‌توان با شیوه‌های تبلیغی غیرزبانی نیز اهل سنت را به تشیع علاقه‌مند ساخت. هدف از تبلیغ غیرمستقیم - که در بستر ارتباط بین‌فردی متقاعدگرانه شکل می‌گیرد - ایجاد زمینه تحسین مذهب تشیع در دل اهل سنت و کاستن از بدبینی‌های احتمالی آنان است. رفتار شیعیان می‌بایست نه تنها از دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام در دل اهل سنت پیشگیری کند، بلکه بر محبت قلبی ایشان نیز بیفزاید. در بسیاری از روایات در باب ایجاد فضای تکریم ائمه علیهم‌السلام از شیعیان خواسته شده تا برای پیشوایان خود زینت و افتخار باشند؛ نه مایه ننگ و عار. در کنار مواردی که گذشت، بر مبنای روایات، برجسته‌سازی هویت شیعی در ارتباط غیر کلامی با اهل سنت نیز اهمیت بسیاری دارد. از این‌رو شیعیان موظف شده‌اند تا حد ممکن مناسک دینی خود را طبق آیین تشیع انجام دهند و عناصر هویتی خود را پررنگ نمایند.

معاشرت مسالمت‌آمیز مردم با عقاید مختلف عنصر مهمی برای برقراری آسایش عمومی جوامع متکثر دینی به شمار می‌رود. طبق روایات، بهتر است شیعیان در برقراری تعاملات روزمره با اهل سنت به روش‌های امامان خود پیروی کنند. ائمه علیهم‌السلام در احادیث خود، شیوه‌های همزیستی با اهل سنت را برای شیعیان تبیین نموده‌اند. طبق نظر

معصومین علیهم السلام، برای تاثیر گذاری حداکثری، در معاشرت‌ها باید مَنیشی به کار رود که متناسب با سنت‌های خود اهل تسنن باشد. علاوه بر این، بنا بر برخی روایات، پیش گرفتن برخورد های سلبی نیز به عنوان روش ارتباطی مطرح گردیده و لذا گاهی شیعیان باید سعی کنند اختلاط با اهل سنت را به حداقل رسانند. از تنوع شیوه‌های ارتباطی توصیه شده در روایات می‌توان نتیجه گرفت که شیعیان باید با سنجش موقعیت ارتباط و شرایط مخاطب، دست به انتخاب و اجرای روش‌های کلامی و غیر کلامی در برابر اهل سنت بزنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. آشتیانی، احمد و دیگران (۱۳۶۲)، طرائف الحکم یا اندرزه‌های ممتاز، ج ۲، تهران: نشر صدوق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری، ج ۲، تهران: نشر صدوق.
۴. باستانی، قادر (۱۳۸۶)، اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط موثر با دیگران، تهران: نشر ققنوس.
۵. باهنر، ناصر (۱۳۸۳)، «ارتباطات در جامعه اسلامی متکثر فرهنگی»، تهران: فصلنامه پژوهشی دین و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، س ۲، ش ۲۱.
۶. جان‌فزا، علی و علی خیاط (۱۳۹۳)، «عوامل رفتاری برقراری ارتباط موثر در گفتار و رفتار امام رضا علیه‌السلام»، فصلنامه فرهنگ رضوی، س ۲، ش ۸.
۷. حکیم آرا، محمدعلی (۱۳۹۳)، ارتباط متقاعدگرانه در تبلیغ، تهران: نشر سمت.
۸. خان‌محمدی، کریم (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر سیره ارتباطات میان‌فردی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، فصلنامه تاریخ اسلام، س ۱۰، ش ۳۷.
۹. روحی برندق، کاووس (۱۳۹۷)، «اخلاق گفتگو در قرآن و حدیث با تاکید بر مناظره‌های امام رضا علیه‌السلام»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، س ۲۲، ش ۱.
۱۰. صادقی نیری، رقیه و مهین حاجی‌زاده (۱۳۹۰)، «روش‌های دعوت و تبلیغ قرآنی از دیدگاه علامه طباطبایی»، دوفصلنامه پژوهش دینی، س ۱، ش ۲۲.
۱۱. طباطبایی بروجردی، سیدحسین (۱۳۵۷)، جامع احادیث الشیعة، قم: المطبعة العلمية.
۱۲. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۵)، ارتباطات انسانی، ج ۱، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۱۳. کرمی، مرتضی و صدرالدین شریعتی (۱۳۹۲)، «بررسی اصول روابط بین‌فردی بر اساس آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات و مدلیابی محتوایی از این آموزه‌ها»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، س ۹، ش ۲۹.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۱)، روضه کافی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.
۱۵. _____ (۱۳۶۳)، گزیده کافی، ترجمه: محمدباقر بهبودی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. _____ (۱۳۶۹)، اصول کافی، ترجمه: سیدجواد مصطفوی، تهران: اسلامیه.
۱۷. گلاب‌بخش، زینب (۱۳۹۰)، «بررسی عناصر پایداری ارتباط میان فردی در قرآن و روایات»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، س ۴، ش ۱۰.
۱۸. لیتل جان، استیفن (۱۳۹۴)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه: امیرحسام اسحاقی، تهران: اطلاع‌رسانان.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴)، آداب معاشرت؛ ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.
۲۰. _____ (۱۳۷۸)، مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار، ترجمه: علی دوانی، تهران: اسلامیه.
۲۱. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۶۰)، ارتباطات انسانی، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
۲۲. _____ (۱۳۹۰)، ارتباط‌شناسی: ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)، تهران: سروش.
۲۳. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹)، درسنامه فهم حدیث، قم: انتشارات زائر.
۲۴. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، تهران: ندا.
۲۵. مومنی‌راد، اکبر و دیگران (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، فصلنامه: اندازه‌گیری تربیتی، س ۴، ش ۱۴.
۲۶. الهاشمی، هاشم (۱۳۷۲)، تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث: تقریر لایبحاث سماحة آية الله العظمی السیدعلی الحسینی السیستانی (دام ظلّه العالی)، قم: بی‌نا.
۲۷. هوور، استوارت (۱۳۸۸)، دین در عصر رسانه، ترجمه: علی عامری مهابادی، فتاح محمدی و اسماعیل اسفندیاری، قم: دفتر عقل.
28. Hsieh, Hsiu-Fang and Shannon, Sara E (2005), "Three Approaches to Content Analysis", *Qualitative Health Research*, vol. 15, No.9.